

بررسی تحلیلی گزارش ابن اسحاق درباره رویداد غدیر خم

فاطمه شکیب‌رخ^۱

چکیده

در سال دهم هجری، پس از پایان حجه‌البلاغ در محل غدیر خم، امام علی علیه السلام به فرمان خداوند توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان وصی و جانشین آن حضرت معرفی شد. اصل واقعه غدیر، مورد تأیید منابع تاریخی مسلمانان است، اما در چرایی وقوع آن، در برخی گزارش‌ها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. یکی از این موارد، گزارش منسوب به محمد بن اسحاق است. بر اساس این نقل، یکی از دلایل مدعیان مخالف معنای جانشینی، در باب علت وقوع غدیر، شکایت چند تن از صحابه از امیرالمؤمنین علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله است که برخی مورخان بعد از ابن اسحاق، آن را به معنای مولی در قالب دوست، یاور و برتری آن امام بر دیگر صحابه بیان کرده‌اند. از این رو، پژوهش حاضر پس از بررسی صحت انتساب گزارش به ابن اسحاق، در صدد فهم این مطلب است که این خبر، چه ابعاد و پیامدهایی در منابع بعد از وی در تاریخ اسلام بر جای نهاده است؟ برخی از نتایج به دست آمده از این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گردید، عبارتند از: عدم وجود اصل گزارش در آثار منتسب به ابن اسحاق و نبود شاهد یا سند موثق درباره انتساب این گزارش به ماجرای غدیر خم؛

۱. دانش‌آموخته سطح سه رشته تاریخ اسلام و دانشجوی دکتری تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران؛

عدم اثبات وثاقت برخی از سیره‌نگاران ناقل گزارش ابن اسحاق و مشهور بودن آنان به تعصب مذهبی و فرقه‌ای؛ ناقص بودن روایت ناقلان گزارش؛ عدم نقل گزارش ابن اسحاق توسط تاریخ‌نگاران مشهور دیگر و یکسان نبودن متن و جمله‌بندی گزارش ابن اسحاق در کتب سیره‌نگاران.

واژگان کلیدی: ابن اسحاق، روایت غدیر خم، حجة الوداع، البداية و النهاية.



مقدمه

بنا بر گزارش منابع تاریخ اسلام، در هجدهم ذی حجه سال دهم هجری، در محل غدیر خم، امام علی علیه السلام به عنوان وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی شد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۳۲). منابع تاریخی مسلمانان، در اصل وقوع این حادثه اختلاف ندارند، اما در مسئله جانشینی علی علیه السلام، به دلیل وجود برخی گزارش‌های تاریخی، در بیان چرایی وقوع غدیر خم، تفاوت نگارش وجود دارد (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۱۱۳-۱۱۴). یکی از این گزارش‌ها که محملی برای ایجاد چالش‌های بعدی در این زمینه شده، گزارش منسوب به محمد بن اسحاق است. این گزارش، بعدها به عنوان ادله، برای تعبیر معنای مولی در قالب دوست، یاور و برتری امام علی علیه السلام بر دیگر صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده شده است. با این حال، این گزارش، در کتب منتسب به ابن اسحاق بیان نگردیده است.

از این رو، پژوهش حاضر پس از بررسی صحت انتساب گزارش به ابن اسحاق، درصدد فهم این مطلب است که این خبر، چه ابعاد و پیامدهایی در منابع بعد از وی در تاریخ اسلام بر جای نهاده است؟ به منظور دستیابی به دریافت این مسئله، تعدادی از روایان سیره‌نگار تاریخ اسلام از جمله: احمد بن حنبل، ابن کثیر، ابن هشام و طبری انتخاب شدند و سپس با بیان تفاوت‌های برداشتی و گفتاری ایشان از گزارش اصلی ابن اسحاق، نقد و تحلیل شده است. از این رو، رویکرد مقاله حاضر، بررسی گزارش ناقلان خبر ابن اسحاق، با نظر گرفتن ویژگی شخصیتی و تعلق آنان است. تحقیق حاضر با تکیه بر گزارش ابن کثیر، به بررسی این خبر در مورخان قبل از وی پرداخته و دلیل این امر، مفصل بودن گزارش نامبرده و بیان خبر، به منظور اثبات ادله گفتمان افضلیت در واقعه غدیر خم بوده است. لازم به ذکر است که افضلیت امام در دیدگاه متکلمان امامیه، عموماً به معنای برتری امام بر دیگران در ویژگی‌هایی مانند علم، عدالت، شجاعت و تقوا بوده و از شرایط امامت معنا شده است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۸ و ۱۹۱)؛ در حالی که این مسئله در منظر متکلمان غیر شیعه، شرط نیست و امامت مفضول بر فاضل جایز فرض شده است (ر.ک: باقلانی، ۱۴۰۷، ص ۴۷۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳ و ۲، ص ۲۹۶).

درباره پیشینه موضوع، تنها می‌توان به «تبیین تاریخی دلایل عدم روایت واقعه غدیر در سیره ابن اسحاق» به قلم آقایان رسول قلیچ و محمدرحیم ربانی زاده اشاره کرد. این تحقیق، بر تبیین عدم نقل روایت غدیر در سیره ابن اسحاق معطوف بوده و به نتایجی از جمله عدم مخالفت ابن اسحاق با علمای زمانه، حکومت و... دست یافته است؛ لذا با پژوهش حاضر که به بررسی ابعاد نقل گزارش ابن اسحاق در منابع بعد از وی تمرکز دارد، متفاوت است.

۱. گزارش منسوب به ابن اسحاق در شرح علت وقوع غدیر

ابوعبدالله، یا ابوبکر محمد بن اسحاق بن یسار بن خیارِ مطلبی مدنی (۸۰-۱۵۱ق/ ۶۹۹-۷۶۸م)، معروف به ابن اسحاق، مورخ، محدث، نسب‌شناس، آگاه به سیره، مغازی و قصص پیامبران و از جمله نخستین سیره‌نویسانی است که زندگانی پیامبر ﷺ را به رشته تحریر درآورد. وی را ایرانی نژاد دانسته‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۳۱). ابن حبان وی را نخستین سیره‌نویس و محدثی می‌داند که زندگانی رسول خدا ﷺ را به نگارش درآورده است (ابن حبان، ۱۴۱۱، ص ۱۳۹-۱۴۰).

در این بخش، نقل قول و گزارش‌های کتب شاخص از روایت ابن اسحاق در شرح علت وقوع غدیر بررسی می‌شود.

۱-۱. روایت ابن‌کثیر در البدایه و النهایه

در بین منابعی که به ترسیم علت وقوع غدیر خم پرداخته‌اند، ابن‌کثیر (م ۷۷۴ق) نسبت

۱. عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر قرشی (م ۷۷۴ق، دمشق، سوریه) تاریخ‌نگار، تفسیرگر و حدیث‌نگار مشهور شافعی (ر. ک: رحیم‌لو، ۱۳۹۹، ذیل «ابن‌کثیر»). وی نزد افرادی همچون شمس‌الدین ذهبی (م ۷۴۸ق)، ابوالحجاج یوسف مزنی (م ۷۴۲ق)، شیخ تقی‌الدین ابن‌تیمیه (م ۷۲۸ق) و علم‌الدین بزرالی (م ۷۳۹ق) (ر. ک: ابن‌کثیر، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۱۷۹ و ۲۹۱) به تعلم و شاگردی نشست.

۲. قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ - فِي سِيَرَاتِي حَجَّةَ الْوَدَاعِ - حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَفْرَةَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ طَلْحَةَ بْنِ يَزِيدَ بْنِ زَكَاةَ، قَالَ: لَمَّا أُقْبِلَ عَلَيَّ مِنَ التَّيْمَنِ لِيَتَلَّقَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَكَّةَ، تَعَجَّلَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ وَاسْتَخْلَفَ عَلَيَّ جُنْدَهُ الَّذِينَ مَعَهُ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ، فَعَمِدَ ذَلِكَ الرَّجُلُ فَكَسَى كُلَّ رَجُلٍ مِنَ الْقَوْمِ حُلَّةً مِنَ الْبَرِّ الَّذِي كَانَ مَعَ عَلِيٍّ، فَلَمَّا دَنَا جِئْتُهُ حَرَجَ لِيَلْقَاهُمْ، فَأَدَا عَلَيْنَهُمُ الْحُلَّةَ. قَالَ: وَيَلِكُ مَا هَذَا؟ قَالَ: كَسَوْتُ الْقَوْمَ لِيَتَجَمَّلُوا بِهِ إِذَا قَدِمُوا فِي النَّاسِ. قَالَ وَيَلِكُ: انْزِعْ قَبْلَ أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: فَانْتَزَعْتُ الْحُلَّةَ مِنَ النَّاسِ، فَرَدَّهَا فِي الْبَرِّ، قَالَ: وَأَظْهَرَ الْجَيْشُ سُكُوَاهُ لَمَّا صَنَعَ بِهِمْ. قَالَ ابْنُ إِسْحَاقَ: فَحَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَعْمَرِ بْنِ حَزْمٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبٍ بْنِ عُجْرَةَ، عَنْ عَمَّتَيْهِ زَيْنَبَ بِنْتِ كَعْبٍ - وَكَانَتْ عِنْدَ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ. قَالَ: اسْتَنَكَى النَّاسُ عَلَيْنَا فَنَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِينَا حَطِيبًا، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ:

به دیگر تاریخ‌نگاران، شرح مفصل‌تری ارائه کرده و برای اثبات مدعای خود، به ارائه گزارش مورخان دیگر نیز روی آورده است؛ از این رو در تحقیق حاضر، به عنوان گزارش اصلی مطرح می‌شود. وی قبل از آنکه داستان یمن را نقل کند، تأکید دارد مطالبی را درباره واقعه غدیر بیان می‌نماید تا (به زعم او) روشن شود که در حدیث غدیر، هیچ‌گونه مطلبی مبنی بر ادعای شیعه در مسئله جانشینی وجود ندارد.^۱ وی در ادامه، ماجرای اختلاف امام علی علیه السلام با لشکر اعزامی به یمن از قول ابن اسحاق و در زمینه حجه الوداع را چنین شرح می‌کند: هنگامی که امام علی علیه السلام (زودتر از لشکر خویش)، از یمن به دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه آمد، مردی از اصحاب خود را جانشین خود قرار داد. (اما) او (جانشین امام) به هریک از افراد لشکر، جامه‌ای (از غنائم) را که امام علی علیه السلام از یمنی‌ها گرفته بود و قصد داشت به رسول خدا صلی الله علیه و آله تحویل دهد، بخشید. زمانی که لشکر به ایشان نزدیک شد، امام علی علیه السلام به استقبال آنها رفت. (پس چون مشاهده کرد که) آنها لباس‌ها را در دست (یا در تن) داشتند، فرمود: چرا این‌گونه است؟ (جانشین) گفت: لباس‌ها را بر لشکریان پوشاندم تا هنگامی که نزد مردم (شرکت‌کنندگان در حج) آمدند، آراسته باشند. امام علی علیه السلام فرمود: وای بر تو! لباس‌ها را دریاورید و پیش از آنکه به رسول خدا صلی الله علیه و آله تحویل دهیم، کسی حقی در آنها ندارد و نمی‌تواند استفاده کند (در واقع، تهدید حضرت نسبت به جانشینش، توسط راوی نقل شده است).

أَمَّا النَّاسُ لَا تَشْكُوا عَلِيًّا فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَخْسَنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. وَقَالَ: إِنَّهُ لَأَخْسَنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. وَقَالَ الْإِمَامُ أَحْمَدُ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ دُكَيْنٍ، ثنا ابنُ أَبِي عَنِيَّةَ، عَنِ الْحَكَمِ، عَنِ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ بَرِيدَةَ قَالَ: غَزَوْتُ مَعَ عَلِيٍّ الْيَمَنَ فَرَأَيْتُ مِنْهُ جَفْوَةً، فَلَمَّا قَدِمْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرْتُ عَلِيًّا فَتَنَقَّضْتُه فَرَأَيْتُ وَجْهَ رَسُولِ اللَّهِ يَتَغَيَّرُ. فَقَالَ يَا بَرِيدَةُ أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ». وَكَذَا رَوَاهُ النَّسَائِيُّ، عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْحَرَّانِيِّ، عَنْ أَبِي نَعْمَانَ الْفَضْلِيِّ بْنِ دُكَيْنٍ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَبِي عَنِيَّةَ بِإِسْنَادِهِ مَخْرُوجًا. وَهَذَا إِسْنَادٌ جَيِّدٌ قَوِيٌّ رَجَالُهُ كُلُّهُمْ شِقَاقٌ. وَقَدْ رَوَى النَّسَائِيُّ فِي سُنَنِهِ: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدَمِيِّ، عَنْ يَحْيَى بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ أَبِي معاويةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي تَابِتٍ، عَنْ أَبِي الطَّفَيْلِ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ. قَالَ: لما رجع رسول الله من حجة الوداع وتزلَّ عديرة حمَّ امرٍ بدو حاتٍ فقممتمُ ثمَّ قال: «كأني قد دُعيتُ فأجبت، إني قد تركت فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي أهل بيتي، فانظروا كيف تحلفوني فيهما، فإنهما لئن يفترقا حتى يردا عليَّ الخوض، ثمَّ قال: الله مولاي وأنا وليُّ كلِّ مؤمنٍ، ثمَّ أخذ بيدي عليٍّ فقال: من كنت مولاه فهذا وليُّه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه». فَقُلْتُ لِرَبِّدِ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا كَانَ فِي الدُّوْحَاتِ أَحَدٌ إِلَّا رَأَى بَعِيَّتِيهِ وَبِعْمَهُ بِأَدْنِيهِ. فَتَرَدَّدَ بِهِ النَّسَائِيُّ مِنْ هَذَا الْوَجْهِ. قَالَ شَيْخُنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الذَّهَبِيُّ وَهَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ (ابن كثير، ١٣٩٨، ج ٥، ص ٢٢٨).

١. ونحن نورد عيون ما روى في ذلك مع اعلامنا أنه لاحظ للشيعة فيه ولا متمسك لهم ولا دليل لما سنبينه ونبه عليه، فنقول والله المستعان.

راوی در ادامه می‌گوید: لشکریان شکایات خود از رفتار امام علی علیه السلام با آنها را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله اظهار کردند. (پس وقتی) مردم از علی علیه السلام شکایت کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر ما ایستاد و خطبه را آغاز کرد و من (راوی) شنیدم که می‌گفت: ای مردم! از علی شکایت مکنید! سوگند به خدا که حقیقتاً او در ذات خدا - یا در راه خدا - استوارتر و پابرجاتر از آن است که مورد شکوه و گلایه قرار بگیرد.

این‌کثیر در ادامه بیان داستان، با آوردن شاهد دیگری از احمد بن حنبل، بر جمله «لَا خُشْنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ» از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امام علی علیه السلام تأکید می‌کند؛ ضمن آنکه در شرح علت وقوع غدیر، شکل دیگری از موضوع را از احمد بن حنبل که ابن عباس و بریده راویان آن هستند، نقل می‌نماید. نکته قابل توجه، بیان «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاً» در هنگامی است که بریده از یمن نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده و از امام علی علیه السلام شکایت می‌کند (ابن‌کثیر، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۰۸ و ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۱۴).

ملاحظه می‌شود که ابن‌کثیر با نقل گزارش‌های مورخان پیش از خود، وقوع غدیر را به علت اختلاف برخی صحابه با امام علی علیه السلام نسبت داده است. اینک برای جستجوی روایت ابن‌کثیر، به گزارش‌های مورخان پیش از وی نیز پرداخته می‌شود.

۱-۱. روایت ابن‌هشام در سیره النبویه^۱

ابن‌هشام (م ۲۱۸ق) که به خاطر اصلاح و بازنگری در سیره ابن‌اسحاق مشهور شده، درباره علت وقوع غدیر خم آورده است که: لشکریان از امام علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل گرفتن جامه‌ها یا حله‌های یمنی شکایت کردند (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۰۳) و در ادامه، ماجرا

۱. شَكَاَ عَلِيًّا جَنْدُهُ إِلَى الرَّسُولِ لِاتِّبَاعِهِ عَنْهُمْ خُلَا مِنْ بَرِّ الْيَمَنِ، قَالَ ابْنُ إِسْحَاقَ: وَحَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَمْرَةَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ طَلْحَةَ بْنِ يَزِيدَ بْنِ زَكَاتَةَ، قَالَ: لَمَّا أَقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَكَّةَ، تَعَجَّلَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاسْتَخْلَفَ عَلِيَّ جَنْدِهِ الَّذِينَ مَعَهُ رِجَالًا مِنْ أَصْحَابِهِ، فَعَمِدَ ذَلِكَ الرَّجُلُ فَكَسَا كُلَّ رَجُلٍ مِنَ الْقَوْمِ حُلَّةً مِنَ الْبَرِّ الَّذِي كَانَ مَعَ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ. فَلَمَّا دَنَا جِئِشُهُ خَرَجَ لِيَلْقَاهُمْ، فَإِذَا عَلَيْهِمُ الْحُلَلُ، قَالَ: وَيْلَكَ! مَا هَذَا؟ قَالَ: كَسَمُوثُ الْقَوْمِ لِيَتَّجَمَلُوا بِهِ إِذَا قَدِمُوا فِي النَّاسِ، قَالَ: وَيْلَكَ! انْزِعْ قَبْلَ أَنْ تَنْتَهِيَ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: فَانْتَرَعَ الْحُلَّ مِنْ النَّاسِ، فَزَدَهَا فِي الْبَرِّ، قَالَ: وَأَظْهَرَ الْجَيْشَ شَكْوَاهُ لِمَا صَنَعَ بِهِمْ. قَالَ ابْنُ إِسْحَاقَ: فَحَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَعْمَرِ بْنِ حَزْمٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ عَنْ عَمَّتَيْهِ زَيْنَبَ بِنْتِ كَعْبٍ، وَكَانَتْ عِنْدَ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: اشْتَكَى النَّاسُ عَلِيًّا رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِينَا حَاطِبًا، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَشْكُوا عَلِيًّا، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَخْسَنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ، أَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، مِنْ أَنْ يُشْكَى (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۰۳).

را همانند نقل ابن کثیر بیان می‌کند؛ بنابراین می‌توان دریافت که ابن کثیر گزارش خود را از ابن هشام بازگو کرده است.

۱-۲. روایت أحمد بن حنبل^۱ در مسند^۲

شرح وقوع غدیر در مسند احمد (م ۲۴۱ق)، گزارشی مختصر و با ذکر سلسله سندی متفاوت از نقل ابن کثیر از ابن اسحاق است؛ چنان‌که خبری از روایت ابن عباس و بریده که ابن کثیر آنها را در گزارش احمد نام برده است، دیده نمی‌شود و عنوانی مبنی بر وابستگی مطلب به گزارش علت وقوع غدیر نیز نیاورده است، مگر همان جمله **لَأَحْسَنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ** تا آخر... (ر.ک: احمد بن حنبل شیبانی، ۱۴۲۱، ج ۱۸، ص ۳۳۷) که بیانگر اهمیت این فراز در نزد وی می‌باشد. آنچه مسلم است عدم وجود دلیل قطعی در نسبت علت شکایت در وقوع غدیر خم، نزد احمد بن حنبل می‌باشد که ابن کثیر آن فراز را از جانب احمد به عنوان ادله برای ادعای خود ذکر کرده است.

۱-۳. روایت طبری^۳

طبری (م ۳۱۰ق) نیز در شرح واقعه غدیر، گزارش ابن اسحاق را نقل کرده است (طبری، ۱۳۸۷،

۱. احمد بن حنبل (۲۴۱-۱۶۴ق) از فقهای چهارگانه اهل سنت، محدث و پیشوای مذهب حنبلی است که در فقه، بیش از مذاهب دیگر، به ظاهر احادیث پیامبر ﷺ و اقوال صحابه گرایش داشت. وی شاگرد شافعی و از ناقلان حدیث غدیر و احادیث فضیلت امیرالمؤمنین علی ﷺ بود. احمد در تریب خلفا (خليفة چهارم دانستن امام علی ﷺ) و شکل دهی مذهب تسنن در مقابل مذهب عثمانی نقش بسزایی ایفا کرد. از جمله کتبی که به وی منسوب است می‌توان به مسند احمد، فضائل الصحابه و فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ اشاره کرد (ر.ک: شهرستانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۰۸؛ سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۸۰؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۸۸-۹۰ و گرجی، ۱۳۹۸، ص ۸۵).

۲. حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ، حَدَّثَنَا أَبِي، عَنِ ابْنِ إِسْحَاقَ قَالَ: فَحَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَعْمَرِ بْنِ حَزْمٍ، عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ، عَنْ عَمَّتَيْهِ زَيْنَبَ بِنْتِ كَعْبٍ، - وَكَانَتْ عِنْدَ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ - عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ قَالَ: اشْتَكَيْتَنِي عَلِيًّا النَّاسُ، قَالَ: فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيمَا خَطَبِيَا، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَشْكُوا عَلِيًّا، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَحْسَنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ، أَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (احمد بن حنبل شیبانی، ۱۴۲۱، ج ۱۸، ص ۳۳۷).

۳. حَدَّثَنَا ابْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَلْمَةُ، عَنِ ابْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَفْرَةَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ طَلْحَةَ بْنِ يَزِيدَ بْنِ رِجَاءَةَ، قَالَ: لَمَّا أَقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنَ الْيَمَنِ لِيَتَلِقَ رَسُولَ اللَّهِ بِمَكَّةَ تَعَجَّلَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَاسْتَخْلَفَ عَلِيَّ جُنْدِيهِ الَّذِينَ مَعَهُ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ، فَمَعَهُ ذَلِكَ الرَّجُلُ، فَكَتَسَا رَجُلًا مِنْ الْقَوْمِ حُلًّا مِنْ الْبُرِّ الَّذِي كَانَ مَعَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَلَمَّا دَنَا جَنِبُهُ، خَرَجَ عَلِيٌّ لِيَلْقَاهُمْ، فَأَادَا هُمْ عَلَيْهِمُ الْحُلَّ، فَقَالَ: وَيْحَكَ مَا هَذَا! قَالَ: كَسَوْتُ الْقَوْمَ لِيَتَجَمَّلُوا بِهِ إِذَا قَدِمُوا فِي النَّاسِ، فَقَالَ: وَيْلَكَ! انْتَرَعُ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَنْتَهِيَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ. قَالَ: فَانْتَرَعَ الْحُلَّ مِنَ النَّاسِ، وَرَدَّهَا فِي الْبُرِّ، وَأَظْهَرَ الْجَبِشَ شِكَايَةَ مَا صَنَعَ بِهِمْ. حَدَّثَنَا ابْنُ حَمِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَلْمَةُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَعْمَرِ بْنِ حَزْمٍ، عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبِ بْنِ عَجْرَةَ،

ج ۳، ص ۱۴۹؛ درحالی که اصل گزارش غدیر در کتاب تاریخی وی موجود نیست.^۱

۱-۴. روایت ابن اثیر در الکامل^۲

ابن اثیر (م ۶۳۰ق)^۳ گزارش اعزام امام علی علیه السلام به یمن و اختلاف لشکریان بر سر غنائم با امام علی علیه السلام را ذیل آمران یا فرماندهان اعزامی برای صدقات از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده و عنوانی برای ارتباط این ماجرا با واقعه غدیر خم مطرح نکرده است؛ ضمن آنکه راوی گزارش را نیز معین ننموده است (ر. ک: ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۶۵).

۲. نقد و پیامد گزارش ابن اسحاق

سیره نگاری به عنوان آغازگر تاریخ نگاری اسلامی و مبنای تاریخ پژوهی شناخته می شود. بدون تردید یکی از آفات مهم آن، بیان سلیقه ای و برداشت های متفاوت از وقایع توسط سیره نویسان در شرح و نقل برخی از گزارش های مرتبط با سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و حوادث مهم حیات ایشان بوده که بر پندارها و انگاره های مسلمانان نسل بعد تأثیر مستقیم داشته است. از جمله دلایل مهم این آفت، شرایط و مصالح سیاسی و حکومتی زمان زندگی مورخان و گرایش های فرقه ای آنان است. وابستگی این افراد به دربارهای حکومتی وقت نیز عاملی

عَنْ عَتَبَةَ رَيْثَبِ بْنِ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ وَكَانَتْ عِنْدَ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، إِقَالَ: سَكَتَ النَّاسُ عَلَيَّ نِينَ أَبِي طَالِبٍ، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ فِيْنَا حَطِيْبًا، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَشْكُوا عَلِيًّا، فَوَاللَّهِ أَنَّهُ لَأَخْسَى فِي ذَاتِ اللَّهِ - أَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - مِنْ أَنْ يَشْكِيَ [طبري، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۴۹].

۱. گفته شده که طبری کتاب مستقلى تحت عنوان كتاب الولاية يا طرق حديث الغدير يا كتاب الفضائل تاليف کرده که پاره های برجای مانده از این کتاب در گزارش های مورخان بعد از وی مشهود است (ر. ک: الغدير، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۲). درباره علت عدم وجود حدیث غدیر در تاریخ طبری ادله ای مطرح است؛ اینکه شاید آن دو جلد کتاب درباره حدیث غدیر، بخشی از کتاب تاریخ طبری بوده و در دوره های بعد به خاطر سیطره حکومت ها، از آن جدا شده است؛ یا اینکه بعد از تالیف کتب تاریخی خویش متوجه ادله حدیث غدیر شده و لذا این کتاب را تالیف کرده است (ر. ک: جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸-۱۹۷).

۲. وَبَعَثَ عَلِيٌّ بَنَ أَبِي طَالِبٍ إِلَى خُزَّانٍ، لِيَجْمَعَ صَدَقَاتِهِمْ وَجَزِيَّتَهُمْ وَيُعَوِّدَ، فَفَعَلَ وَعَادَ، وَلَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بِمِنَكَةَ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ، وَاسْتَخْلَفَ عَلَى الْجَيْشِ الَّذِي مَعَهُ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ، وَسَبَقَهُمْ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَلَقِيَهُ بِمِنَكَةَ، فَعَقَدَ الرَّجُلُ إِلَى الْجَيْشِ، فَكَسَاهُمْ كُلَّ رَجُلٍ حُلَّةً مِنَ الْبَرِّ الَّذِي مَعَ عَلِيٍّ، فَلَمَّا دَنَا الْجَيْشُ خَرَجَ عَلِيٌّ لِيَتَلَقَاهُمْ، فَرَأَى عَلَيْهِمُ الْحُلَّ، فَتَرَعَهَا عَنْهُمْ، فَشَكَاهُ الْجَيْشُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَامَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - حَطِيْبًا فَقَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَشْكُوا عَلِيًّا، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَخْسَى فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ» (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۶۵).

۳. ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن اثیر، مشهور به عزالدین، محدث، مورخ و ادیب اهل تسنن و صاحب دو کتاب مهم تاریخی اسد الغابه فی معرفة الصحابه و الکامل فی التاریخ (ر. ک: رضازاده لنگرودی، ۱۳۹۹، ذیل «ابن اثیر»).

فزاینده و اثرگذارنده بر بیان سلیقه‌ای مطالب ایشان بود که باعث عدم انتخاب گزارش‌هایی شد که با منافع آنان در تضاد بود (ر.ک: زریاب خویی، ۱۴۰۰، ص ۱۵-۱۸ و محمدجعفری، ۱۳۶۸، ص ۳۶). ادامه این روند در برخی ادوار تاریخی، به صورت حذف و یا مفقود شدن گزارش‌های کتب پیشین اتفاق افتاد که شواهد تاریخی، آن را تأیید می‌کند (ر.ک: شرف‌الدین، ۱۳۶۸، ص ۱۸-۱۹). در نقد گزارش ابن اسحاق و نسبت آن با شرح وقوع غدیر توسط مورخان بعد از وی، نکات ذیل قابل توجه است:

۲-۱. اینکه آیا مورد استفاده گزارش ابن اسحاق، در علل شکل‌گیری بیان وقوع غدیر بوده یا خیر، در صدر سؤالاتی است که مدافعان خبر به آن پاسخ نداده‌اند. در واقع، یکی از اشکالات نقل مذکور این بوده که شاهد و یا سند صحیحی درباره ارتباط خبر با غدیر خم، از جانب ابن اسحاق و از طرف ناقلان خبر وی صادر نشده است.^۱ با استناد به منابع تاریخی در متن گزارش، مسئله شکایت در حالی مطرح است که ارتباط آن با واقعه غدیر خم، در کلمات و جملات متن مشخص نمی‌باشد؛ چراکه رسول خدا ﷺ در جواب شاکیان - بنا بر گزارش مذکور- می‌گوید از امام علی علیه السلام شکایت مکنید تا آخر و جمله من کنت مولا را که مشخصه غدیر است بیان نمی‌کند. در واقع، در متن خطبه غدیر خم، جمله‌ای مبنی بر علت وقوع غدیر و گفتار رسول خدا ﷺ درباره شکایات نام‌برده از امام علی علیه السلام وجود ندارد که اگر چنین مسائلی سبب وقوع غدیر بود، لازم می‌آمد که رسول خدا ﷺ در این رابطه حتماً پیشگفتاری بیان کرده باشد؛ همچنان‌که در سیره رسول خدا ﷺ چنین مواردی یافت می‌شود. برای این مدعا می‌توان به ماجرای اعتراض انصار در تقسیم غنائم غزوه حنین اشاره کرد که پیامبر خدا ﷺ در متن خطبه‌ای که برای انصار ایراد فرمود، علت بیان خطبه، یعنی اعتراض انصار در تقسیم غنائم را بیان کرده است (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۵۹). از این رو این سؤال مطرح می‌شود که چرا شکایتی که بنابر ادعای ابن هشام و دیگران، در هنگام پیوستن امام علی علیه السلام به رسول خدا ﷺ برای حج مطرح شده، پس از وقوع حج و در مسیر بازگشت به مدینه درباره اش خطبه ایراد شده است؟ و چرا مانند غزوه حنین، بدون وقفه، توسط رسول

۱. این مطلب را مورخان بعد از وی نقل کرده‌اند و اینکه عنوان گزارش - علت وقوع غدیر خم - مربوط به ابن اسحاق است یا خیر، مویدی ندارد.

خدا ﷻ مطرح نگردید؟ این مطلب خود دلیل بر عدم ارتباط گزارش ابن اسحاق به واقعه غدیر خم است.

۲-۲. وجود نظریات مختلف درباره مقام علمی ابن اسحاق سبب گردیده است که برخی او را ثقه و عده‌ای دیگر کذابش بدانند.^۱ در واقع، نقل حدیث از امامان شیعه و شیعیان ایشان و درس‌آموزی از اساتیدی که دارای گرایش شیعی بودند،^۲ سبب انتساب وی به گرایش‌ها شیعی شده است (ر.ک: ذهبی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۷۲). از این رو، بیشتر اتهامات در وثاقت ابن اسحاق، مربوط به گرایش‌های مذهبی افراد ناقد می‌باشد.

۲-۳. گزارش ابن اسحاق در بیان واقعه غدیر خم، از جمله گزارش‌هایی است که مورخان بعدی، آن را در کتب خویش ذکر کرده‌اند؛ در حالی که این گزارش‌ها در کتب منتسب به وی وجود ندارد. اتکا به گزارشی که در منبع اصلی نویسنده آن نیامده، به منظور تبیین گزارش دیگر، استفاده‌ای نامتعارف و غیرمعمول برای اثبات ادله منتقدان و شارحان گزارش غدیر خم است. مضاف بر آن، برخی سیره‌نگارانی که از ابن اسحاق نقل گزارش کرده‌اند و در تحقیق به آن اشاره گردید، به وثاقت در بین عموم مسلمانان شناخته شده نیستند.^۳ در این میان، از آنجایی که در دسترس نبودن کتب اصلی ابن اسحاق و گزارش‌های منتسب به وی، شامل گزارشی شرح وقوع غدیر خم نیست و گزارش‌ها و کتب دیگر وی را نیز در برمی‌گیرد، نمی‌توان گزارش مذکور را نادیده گرفت؛ چنان‌که ابن هشام به واسطه اصلاح کتاب السیره النبویه معروف گردیده است، در حالی که اصل این کتاب موجود نیست (ر.ک: یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۰۲).

۲-۴. بر ما روشن نیست که عدم وجود اصل خبر واقعه غدیر خم در کتب منتسب به ۱. وثاقت یا عدم وثاقت ابن اسحاق، یکی از موضوعات مورد توجه رجال‌شناسان بوده است. مسئله اول، ارتباط بین مالک بن انس و ابن اسحاق است که هر دو یکدیگر را طرد کردند (ر.ک: ابن عدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۰۶). مسئله دوم، به دلیل گفته هشام بن عروه و اختلافش با وی به خاطر نقل روایت از همسر هشام بوده است. این امر سبب انواع تهمت‌ها از جمله تشیع و قدری بودن ابن اسحاق گردید (الدوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۷ و ابن عدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۰۶).
۲. برخی اساتیدی که ابن اسحاق از محضر ایشان تعلم کرد: عاصم بن عمر بن قتاده، یزید بن رومان، محمد بن ابراهیم، قاسم بن محمد، نافع مولی ابن عمر، ابن شهاب زهری، عبدالله بن ابوبکر بن محمد مدنی، محمد بن سائب کلبی و... (مهدوی، ۱۳۷۷، ص ۳-۴ و ۷-۸ و ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۳۴).
۳. از جمله این‌کثیر که درباره وی پرداخته خواهد شد.

ابن اسحاق،^۱ اهمال مورخ بوده، یا حذف آن توسط تاریخ‌نگاران بعدی و یا به واسطه اقدام هدفمند افراد دیگر اتفاق افتاده است؟ این مسئله، پژوهشی نو را برمی‌تابد.

۲-۵. در گزارش ابن اسحاق، ابوسعید خدری یکی از راویان است؛ درحالی‌که از وی در کتب دیگر، مانند تفسیر ابن ابی حاتم درباره شأن نزول آیه ولایت، واقعه غدیر خم نقل شده است.^۲ (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱۷۲). حال این سؤال باقی می‌ماند که اگر شکایت از علی علیه السلام علت وقوع غدیر بود، چرا آیه ولایت بنا بر گزارش بسیاری از بزرگان،^۳ در شأن ایشان نازل شده است؟ و چرا تاریخ‌نگاران اسلام، با وجود چنین گزارش‌هایی، بر خبر علت وقوع غدیر خم از جانب ابن اسحاق تأکید ورزیدند و افرادی مانند ابن کثیر تلاش کردند برای اثبات خبر نام‌برده، آن را از طرق دیگر نیز بیان کنند؟

۲-۶. اختلاف بین متن گزارش در منابع ناقل خبر ابن اسحاق، این سؤال را ایجاد می‌کند که عدم یکسانی و اختلاف جمله‌بندی گزارش، به چه علت می‌تواند باشد؟ این در حالی است که مدعیان، خبر را به ابن اسحاق نسبت می‌دهند؛ اما هم روایت تفاوت دارد و هم جمله‌بندی‌های یکسانی ندارد. به عنوان مثال: ابن کثیر در بیان گزارش شکایت ابن اسحاق، دو سلسله روایت متفاوت را معرفی می‌کند؛ درحالی‌که مضمون گزارش نیز اختلاف دارد. در اینجا باز این سؤال پیش می‌آید که آیا ابن کثیر و تاریخ‌نگارانی که به شرح علت وقوع غدیر پرداختند، صرفاً به دنبال بیان واقعه بودند و یا قصد بیان وجود شکایت از امام علی علیه السلام در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به منظور انحراف افکار از اصل وصایت داشته‌اند؟ که اگر چنین باشد، گزارش وی ارتباطی با علت وقوع غدیر خم ندارد؛ چراکه همان‌طور که بیان شد گزارش ابی سعید خدری، مربوط به نزول آیه ولایت و در مدینه بوده و در مکه اتفاق نیفتاده است.

۲-۷. در خبر منتسب به ابن اسحاق، از دو روای، نقل قول گردیده است: نخست بریده بن حصیب و بار دیگر از ابن رکانه که در ماجرای سعایت، خود شاهد ماجرا قرار نگرفته است؛ بلکه صرفاً به عنوان راوی خبر شنیده شده شناخته می‌شود. خبر بریده نیز، بنا بر

۱. اصل گزارش غدیر خم، توسط افرادی مانند واقدی، ابن هشام، طبری، بخاری و مسلم و... ذکر نشده است (ر. ک: امینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۷-۳۱۱).

۲. «نزلت هذه الآية: «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» - في علي بن أبي طالب عليه السلام».

۳. برای اطلاع از اسناد روایی آیات ولایت (ر. ک: میلانی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۲-۸۶).

اتفاق بیشتر منابع، حادث در مدینه بوده و در مکه واقع نشده است. در این گزارش، بریده به دستور خالد بن ولید به مدینه بازگشته بود تا نزد رسول خدا ﷺ از امام علی علیه السلام سعایت کند (ر. ک: طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۶۲). این امر، خود دلیلی است که این شکایت، مربوط به سفر منتهی به حجه الوداع نبوده است؛ لذا به عنوان دلیل وقوع غدیر خم و مرتبط بودن شکایت از امام علی علیه السلام، توسط سیره پردازانی مانند واقدی (م ۲۰۷ ق) و تا سال ۲۱۷ ق، غیر از مسند احمد بن حنبل حلبی و بعد از آن هیثمی و طبرانی (حلبی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۳۸۶؛ هیثمی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۲۸ و طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۶۲) نقل نشده است و حتی افرادی مانند طبری نیز آن را خلاصه و با اکراه بیان کرده‌اند.

این مطلب قابل توجه است که آیا در مقطع زمانی که ابن کثیر و دیگران بر انتساب گزارش ابن اسحاق به واقعه غدیر خم تأکید داشتند، شرایط حکومتی، سیاسی و اعتقادی سیره‌نگاران، بر نوشتار ایشان تأثیر ملموسی نهاده بود؟ و یا مجزا از فضای حاکمیتی بوده است؟ در این خصوص، مورد ستایش بودن ابن تیمیه در بیان ابن کثیر، گرایش وی به سلفیته^۱ و یا ضدیت وی با شیعیان (ابن کثیر، بی تا، ج ۶، ص ۲۴۸؛ ج ۸، ص ۱۷۲ و ج ۱۱، ص ۱۵)، از مواردی است که می‌توان در دریافت پاسخ اشاره داشت. این نکته نیز دور از ذهن نیست که حکومت‌های معاصر در عصر سیره‌نگاران، از ابن اسحاق تا ابن کثیر، درصدد حذف فکری و فیزیکی شیعیان بودند؛ لذا برای این سرکوبی، به مواجهه‌ای علمی، اعتقادی، پشتوانه تاریخی و روایی از سیره رسول خدا ﷺ احتیاج داشتند؛^۲ به ویژه آنکه شواهد، نشان‌دهنده وجود مناسبات بین ایشان و حکومت‌ها است.^۳ این امر برمی‌تافت که متخصصان و بازگوکنندگان تاریخ و سیره، اگر در راستای منافع حکومت زمان خود همکاری نداشتند، دست‌کم مخالفتی نیز در مسیر اقتدار و اهداف حکومت‌ها نداشته باشند؛ چراکه به اتهام شیعه بودن، مورد تخطئه دولت‌ها قرار می‌گرفتند.

۱. با مطالعه آثار و گفتارهای ابن کثیر، علایق و گرایش‌های وی کاملاً مشهود می‌شود (ر. ک: ابن کثیر، ۱۳۹۸، ج ۱۴، ص ۳۴-۳۶).

ابن تیمیه نیز از مخالفان سرسخت شیعیان امامیه بود و کتابی در ردّ علامه حلی به نام منهاج السنة النبویة نگاشت.

۲. برای آگاهی از کشتار و زندیق و کافر خواندن شیعیان در زمان امویان (ر. ک: ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۴۴). همچنین برای اطلاع از شیعه‌ستیزی در اشعار شاعران عهد عباسی، منع شیعیان از زیارت قبر امام حسین علیه السلام و ویرانی قبور امامان

(ر. ک: راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۲۳ و طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۲۵).

۳. برای نمونه می‌توان به روابط ابن اسحاق با عباسیان اشاره کرد. وی از جانب دربار منصور عباسی فراخوانده شد و سپس مهدی عباسی از وی خواست کتابی در تاریخ از زمان حضرت آدم تا عصر او تألیف کند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۲۲).

در بحث پیامد گزارش ابن اسحاق، موارد زیر مطرح است:

الف) این نکته حائز اهمیت است که تکیه بر گزارش شکایت در رویداد غدیر توسط برخی مورخان، سبب دور ماندن امت اسلام از وقایع غدیر خم گردید و این وقایع، خود شاهدهی محکم برای روشن شدن حقیقت غدیر و مسیر هدایت مسلمانان در خواست خداوند و رسولش بود. تفسیر اشتباه از معنای مولی در عبارت «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، از پیامدهای مهم اتکا به چنین گزارش‌هایی است؛ خاصه آنکه خبر مذکور، توسط افرادی مانند ابن کثیر بسط و تأکید بیشتری یافت؛ درحالی‌که وی نسبت به تاریخ‌نگاران پیش از خود، فاصله بیشتری با اصل واقعه داشته است. این مطلب مشخص می‌کند که بیان مفصل و مؤکد از سیره‌پردازی غیر از ابن اسحاق در کتاب ابن کثیر، به منظور بیان ادله اهل سنت در برابر عدم اصالت امامت امام علی علیه السلام بوده و بیان صرف تاریخ مطرح نموده است.

ب) گزارش ابن اسحاق و ارتباط دادن آن به شکایت عده‌ای از امام علی علیه السلام، سبب گشودن باب تازه‌ای درباره گفتمان فرق مذاهب، با محوریت شیعه و سنی گردید. براین اساس، ایشان بر آن شدند که از زمان تشکیل سقیفه تا به امروز، برای اثبات حقانیت برداشت خود از واقعه غدیر، به احتجاج‌های مختلف روی آورند. بنابراین می‌توان گفت که وجود گزارش‌های علت وقوع غدیر خم، سبب ایجاد گفتمانی درون مذهبی در منابع تاریخ اسلام گردید؛ گفتمان احقیت (یا وصایت) و افضلیت امام علی علیه السلام بر دیگر صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله که در بحث جانشینی و هدایت جامعه اسلامی در برخی ادوار تاریخی، زمینه‌ساز اختلافات شدید بین شیعیان و اهل سنت گردیده است. چنان‌که شواهد تاریخی اذعان دارند وجود آرای تکفیری که برآمده از نقل قول‌های سلیقه‌ای در وقایع تاریخ اسلام بوده، زمینه‌ساز ساختن کشتار شیعیان را رقم زده است. درگیری میان شیعیان و اهل سنت در محله کرخ بغداد (۴۴۳ق) (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۰۱)، نمونه‌ای از چنین رویدادهایی می‌باشد که شالوده اصلی این حوادث تلخ را نگرش‌های متفاوت شیعه و سنی در اصول اعتقادی برآمده از روایات و گفتار سلیقه‌ای مورخان تاریخ اسلام رقم زده است.

نتایج و یافته‌ها

جایگاه برجسته روایات ابن اسحاق در سیره‌نگاری و پرچم‌داری وی در بیشتر منابع تاریخی جهان اسلام، سبب توجه تاریخ‌نگاران نسل بعد از وی گردید. باتوجه به عدم وجود اصل کتاب ابن اسحاق، سخن راندن درباره وجود و یا عدم وجود گزارش وی درباره غدیر خم بسیار دشوار است؛ اما باتوجه به شرایط دوران حیات ابن اسحاق، یعنی مصادف گردیدن با عصر اموی و عباسی و ویژگی‌های دوران این عصر، یعنی سیاست کلی عدم قدرت‌یابی و شناخته شدن علویان، این تصور می‌رود که عدم وجود گزارش ابن اسحاق مربوط به غدیر خم، مطلبی دور از ذهن نباشد؛ بلکه مقتضای زندگی در چنین دورانی نیز بوده است. به خصوص آنکه وجود گزارش علت وقوع غدیر خم، مؤید این مطلب است. بنابراین با تکیه بر مؤیدات تاریخی، در دسترس نبودن اصل کتاب ابن اسحاق درحالی‌که کتاب برگرفته از آن، یعنی سیره ابن هشام، با اختلاف چندی بعد از آن نوشته شده خود می‌تواند پاسخی باشد که چرا کتاب منبع، بعد از مورد استفاده قرار گرفتن، به علتی ناموجه از دسترس خارج گردیده است. این نکته ایجاب می‌کند که گزارش مذکور، به صورت نقادانه بررسی گردد. در تحقیق حاضر، مهم‌ترین پیامد و نقد گزارش منسوب به ابن اسحاق، بر اساس موارد ذیل مطرح گردیده است:

۱. عدم وجود اصل گزارش در کتب منسوب به ابن اسحاق و نبود شاهد یا سند موثق درباره انتساب این گزارش به ماجرای غدیر خم.

۲. عدم اثبات وثاقت برخی از سیره‌نگاران و ناقلان گزارش ابن اسحاق و شهرت آنان به تعصب مذهبی و فرقه‌ای.

۳. عدم وجود پیشگفتار و مقدمه متصل به اصل متن در خطبه غدیریه در روایت ناقلان گزارش که بر ارتباط شکایت مردم یا لشکر از امام علی علیه السلام تأکید دارد؛ درحالی‌که طبق سیره نبوی صلی الله علیه و آله، مطالب مهم، بدون مقدمه بیان نشده است و این خود دلیلی دیگر بر تشکیک روایت منسوب و یا تحریف آن است؛ چنان‌که در خطبه غدیر خم در منابع شیعی، این مقدمه موجود است.

۴. عدم نقل گزارش ابن اسحاق توسط تاریخ‌نگاران مشهور دیگر.

۵. عدم یکسانی متن و جمله بندی گزارش ابن اسحاق در کتب سیره نگاران.
۶. وجود خبرهای متضاد با گزارش ابن اسحاق از روایت مطرح در گزارش مذکور مانند ابوسعید خدری.

در مجموع می توان دریافت که باتوجه به موارد بیان شده، ادله متقنی برای انتساب این گزارش به محمد بن اسحاق و صدور آن در جهت بیان وقوع غدیر خم از جانب وی وجود ندارد؛ بلکه تأکید و بسط گزارش منسوب به ابن اسحاق توسط مورخانی همچون ابن کثیر، در لوای اهداف سیاسی، اعتقادی صورت پذیرفته و پیامدهایی از جمله تفسیر نادرست در معنای مولی در عبارت «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، دور شدن امت اسلام از اصل رخداد غدیر خم، شکل گیری گفتمان افضلیت (وصایت) امام علی علیه السلام، رشد منازعات مذهبی و فرقه ای، پیدایی چهره ای نامطلوب از خشونت های فرقه ای در نزد ادیان دیگر، ایجاد بستر برای دخالت هدفمند غیرمسلمانان در اختلافات جاری در طول قرون متمادی را به دنبال داشته است.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، تحقيق و تصحيح: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم: مكتبة آيت الله مرعشي.
۲. ابن اثير، ۱۳۸۵ ق، الكامل في التاريخ، بيروت: دار صادر.
۳. _____، بي تا، اسد الغابه، تحقيق: محمد ابراهيم بنا، قاهره: دار الشعب.
۴. ابن حبان، ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۱ م، مشاهير علماء الأمصار و أعلام فقهاء الأقطار، بي جا: دار الوفاء للطباعة والنشر والتوزيع المنصورة.
۵. ابن عدی، عبدالله و غزوي، يحيى مختار، ۱۴۰۹ ق، الكامل في ضعفاء الرجال، بيروت: دار الفكر.
۶. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، بي تا، البداية و النهاية، بيروت: دار الفكر.
۷. ابن هشام، عبد الملك، بي تا، السيرة النبوية، تحقيق و تصحيح: ابراهيم آبياري و ديگران، بيروت: دار المعرفة.
۸. اميني، عبد الحسين، بي تا، الغدير في الكتاب و السنة، قم: مركز الغدير للدراسات الاسلامية.
۹. باقلاني، ابوبكر محمد بن طيب، ۱۴۰۷ ق/ ۱۹۸۷ م، تمهيد الاوائل في تلخيص الدلائل، تحقيق: عماد الدين احمد حيدر، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية.
۱۰. جعفریان، رسول، ۱۳۷۹ ش، «پاره های برجای مانده کتاب فضائل علی بن ابی طالب عليه السلام و کتاب الولاية»، ميقات حج، ش ۳۴، ص ۲۱۸-۱۹۷.
۱۱. حلبی، علی بن ابراهيم، ۱۴۲۷ ق، السيره الحلبيه، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۲. خطيب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۱۷ ق، تاريخ بغداد، تحقيق: مصطفى عبدالقادر، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۳. الدورى، يحيى بن معين، بي تا، تاريخ ابن معين، تحقيق: مكتب الدراسات الإسلامية لتحقيق التراث، بيروت: دار القلم.
۱۴. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۲۸ ق، تذكرة الحفاظ، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۵. _____، ۱۴۰۵ ق، سير أعلام النبلاء، بي جا: مؤسسة الرسالة.
۱۶. رازی، ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ق، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: أسعد محمد الطيب، مكة المكرمة: مكتبة نزار مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية.
۱۷. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، ۱۴۲۰ ق، محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء، بيروت: نشر شركة دار الارقم بن ابی الارقم.
۱۸. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۹۶ ش، امامت در بينش اسلامي، قم: بوستان كتاب.
۱۹. رحيم لو، يوسف، ۱۳۹۹ ش، «ابن كثير»، در دائرة المعارف بزرگ اسلامي، ج ۴، ویراستار: محمد كاظم موسوی بجنوردی، تهران: نشر مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي.
۲۰. رضا زاده لنگرودی رضا، ۱۳۹۹ ش، «ابن اثير»، در دائرة المعارف بزرگ اسلامي، ج ۴، ویراستار: محمد كاظم موسوی بجنوردی، تهران: نشر مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي.

۲۱. زریاب خویی، عباس، ۱۴۰۰ ش، سیره رسول الله ﷺ از آغاز تا هجرت، تهران: سروش.
۲۲. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۸ ق، موسوعه طبقات الفقهاء: المقدمة الفقه الاسلامي منابعه و ادواره، قم: موسسه الامام الصادق عليه السلام.
۲۳. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، ۱۳۸۲ ق، الأنساب، تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية.
۲۴. شرف‌الدین، صدرالدین، ۱۳۶۸ ق، خلیفه‌النبی فی عید الغدیر، صور: نادى الامام الصادق عليه السلام.
۲۵. شهرستانی، سیدعلی، ۱۳۹۰ ق، وضوء النبى: البحث التاريخى یا تاریخ اختلاف المسلمین فی الوضوء اسبابه و دواعیه، قم: انتشارات موسسه رافد.
۲۶. شیبانی، أحمد بن حنبل، ۱۴۲۱ ق، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۴ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۸. طبرانی، أبوالقاسم سلیمان بن أحمد، ۱۴۱۵ ق، المعجم الأوسط، تحقیق و تصحیح: طارق بن عوض الله بن محمد و عبدالمحسن بن إبراهيم الحسینی، قاهرة: دار الحرمین.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ ق، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق: محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، الأمالی، قم: نشر دار الفیقاة.
۳۱. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، کتاب التفسیر، تصحیح: هاشم رسولی، تهران: مكتبة العلمية الاسلامية.
۳۲. قلیچ، رسول و ربانی زاده، محمد رحیم، ۱۳۹۸ ش، «تبیین تاریخی دلایل عدم روایت واقعه غدیر در سیره ابن اسحاق»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، دوره ۲۰، ش ۳، پیاپی ۷۹.
۳۳. گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۹۸ ق، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سمت.
۳۴. محمد جعفری، سید حسین، ۱۳۶۸ ش، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه: سید محمد تقی آیت‌اللهی، تهران: فرهنگ اسلامی.
۳۵. مهدوی، اصغر، ۱۳۷۷ ش، مقدمه سیرت رسول الله، ترجمه: رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی، تهران: خوارزمی.
۳۶. میلانی، السید علی الحسینی، ۱۳۷۴ ش، نفحات الازهار فی خلاصه عقبات الانوار حامد حسین الکتوری، قم: مرکز الحقایق الاسلامیه.
۳۷. واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ ق، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۸. الهیثمی، نورالدین علی بن أبی بکر، ۱۴۱۴ ق، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، تحقیق و تصحیح: حسام‌الدین القدسی، قاهرة: مكتبة القدسی.
۳۹. یوسفی غروی، محمد هادی، ۱۴۱۷ ق، موسوعة التاريخ الاسلامی، قم: مجمع الفكر الاسلامی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی